

An Investigation of the Relationship Between Social Support and Mental Health Addicted Women

Zeinab Khorsandi: MA student of counseling, department of counseling Khatam university, Tehran, Iran. zeinabkhorsandi@yahoo.com

Simin Hosseinian*: Professor, department of counseling, faculty of education and psychology Alzahra university, Tehran, Iran. hosseins1381@yahoo.com

Anahita Khodabakhshi Koolaei: Assistant professor, department of counseling, faculty of human science, Khatam university, Tehran, Iran. anna_khodabakhshi@yahoo.com

Abstract

Introduction: Drug abuse in most of times leads to psychological and social problems in addicted women. These problems not only affect addict women individual life but also affect society and family. The present study aimed to investigate the relationship between social support and mental health in addicted women.

Methods: The study population included all drug addicted women referred to three camps (Marham, Behbood gostaran hamgam and charity Kosar) Under the auspices of Social Welfare and Drug Headquarters in Tehran in April of 1395. The sample size of 150 people were available for sampling.

General Health Questionnaire (GHQ) and social support (Fleming) was completed by sample population. Pearson correlation and multiple regression was performed and data analysis was done using spss software.

Results: Results showed that social support had a significant and direct relationship with mental health. Based on the results of the regression coefficient the most important role on mental health is the responsibility of the components of social support from friends. Public health scores declined with increased social support, the general health status improves.

Conclusions: According to the results, it can be concluded that Social support for addicted women can have a significant impact on mental health and social functioning. Therefore, it is essential to have a strategic planning and social networks should be considered for addicted women.

Keywords

Social Support

Mental Health

Addicted Women

*Corresponding Author
Study Type: Original
Received: 15 Oct 2016
Accepted: 16 May 2017

Please cite this article as follows:

Khorsandi Z, Hosseinian S, Khodabakhshi Koolaei A. An investigation of the relationship between social support and mental health addicted women. Quarterly journal of social work. 2017; 6 (3); 05-13

بررسی رابطه حمایت اجتماعی با سلامت روان زنان معنادار

زینب خرسندی: کارشناسی ارشد مشاوره و راهنمایی، گروه مشاوره دانشکده علوم انسانی دانشگاه خاتم، تهران، ایران. zeinabkhorsandi@yahoo.com

سیمین حسینیان*: استاد گروه مشاوره دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی دانشگاه الزهراء، تهران، ایران. hosseins1381@yahoo.com

آناهیتا خدابخشی کولایی: استادیار گروه مشاوره دانشکده علوم انسانی دانشگاه خاتم، تهران، ایران. anna_khodabakhshi@yahoo.com

واژگان کلیدی

حمایت اجتماعی

سلامت روان

زنان معنادار

چکیده

مقدمه: با توجه به اینکه مصرف مواد مخدر در زنان، اغلب با آسیب‌های روانی و اجتماعی توأم است، گرفتاری زنان در اعتیاد نه تنها فرد و اجتماع بلکه فرزندان خانواده را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد، پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه حمایت اجتماعی با سلامت روان زنان معنادار انجام گرفت.

روش: طرح این پژوهش توصیفی و به روش همبستگی اجرا شده است. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه زنان معنادار به مواد مخدر مراجعه کننده به سه کمپ مرهم، بهبود گستران همگام و موسسه خیریه کوثر تحت نظارت سازمان بهزیستی و ستاد مبارزه با مواد مخدر شهر تهران در فروردین سال ۱۳۹۵ بودند، حجم نمونه با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس صدو پنجاه نفر به‌دست آمد. افراد نمونه پرسشنامه‌های سلامت عمومی (GHQ) و حمایت اجتماعی (فلمینگ) را تکمیل کردند. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم افزار SPSS به روش ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه انجام گرفت.

نتایج: یافته‌ها نشان داد که حمایت اجتماعی با سلامت روان رابطه معنی‌دار و مستقیم دارد و بر اساس نتایج ضریب رگرسیون بیشترین نقش و تبیین روی سلامت روان بر عهده مولفه حمایت اجتماعی از طرف دوستان می‌باشد. با افزایش میزان حمایت اجتماعی نمره سلامت عمومی کاهش یافته یعنی وضعیت سلامت عمومی بهبود می‌یابد.

بحث و نتیجه‌گیری: با توجه به نتایج حاصل می‌توان عنوان کرد افزایش حمایت اجتماعی زنان معنادار می‌تواند تأثیر مهمی بر سلامت روان و عملکرد اجتماعی آنان داشته باشد لذا ضروری است که در برنامه‌ریزی‌های کلان نیازها و شبکه اجتماعی زنان معنادار مورد توجه قرار گیرند.

* نویسنده مسئول

نوع مطالعه: پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۷/۲۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۲/۲۶

زینب خرسندی، سیمین حسینیان و آناهیتا خدابخشی کولایی. بررسی رابطه حمایت اجتماعی با سلامت روان زنان معنادار. فصلنامه مددکاری اجتماعی، ۱۳۹۶؛ ۶ (۳): ۱۳-۵۰

نحوه استناد به مقاله:

مقدمه

اعتیاد یکی از بزرگترین معضلات جوامع بشری است که نه تنها موجب اختلالات رفتاری و اجتماعی می‌گردد، بلکه با تأثیر بر جنبه‌های مختلف سلامت جسمی، خسارات مالی هنگفتی بر فرد، خانواده و جامعه وارد می‌سازد. (۱) اعتیاد زنان عامل بروز بسیاری از آسیب‌های اجتماعی و نابسامانی‌های خانوادگی و فردی است. پدیده اعتیاد و به‌ویژه گسترش روزافزون وابستگی و اعتیاد به مواد جدید با توجه به تأثیرات روحی، روانی، اخلاقی و اجتماعی، خانواده و جامعه را تهدید می‌کند و به رفتارهای آسیب‌زایی مانند تنش در نقش‌های خانوادگی، ولگردی و خیابان گردی، تکدیگری، کجروی و در موارد حاد به انحراف جنسی و خودفروشی منجر می‌شود. از این رو می‌توان اعتیاد زنان را از مهمترین مسائل اجتماعی جهان امروز و همچنین یکی از عوامل تأثیرگذار بر بسیاری از آسیب‌های اجتماعی تلقی کرد. (۲)

یکی از متغیرهایی که اعتیاد زنان بر آن تأثیر مخرب می‌گذارد، سلامت روانی می‌باشد. مفهوم سلامت روان، جنبه‌ای از مفهوم کلی سلامت جسمی، روانی و اجتماعی است که علی‌رغم تلاش‌هایی که از سوی پیشگامان سلامت روانی در جهان به‌منظور تأمین هر چه بیشتر سلامتی انسان‌ها به‌عمل آمده است، هنوز معیار قاطعی در زمینه تعریف و مصداق کامل سلامت روانی در افراد وجود ندارد. برخی چنین تصور می‌کنند که نقطه مقابل سلامت روان، بیماری روانی است؛ در حالی که سلامت روان یعنی در آرامش بودن با خود و دیگران. (۳)

از نظرشنسیدر معیارهای سلامت روان عبارتند از: ۱- **معیار فعالیت ذهنی**: بررسی‌های به‌عمل آمده نشان داده است که افراد نوروپتیک و شخصیت‌های ناسالم فعالیت ذهنی مناسبی ندارند. بنابراین، این معیار می‌تواند برای تمیز افراد سالم از ناسالم به‌کار گرفته شود. ۲- **معیار کنترل وحدت فکر و عمل**: کنترل موثر یکی از مهمترین نشانه‌های شخصیت سالم می‌باشد و ویژگی وحدت فکر و عمل که معمولاً به‌عنوان وحدت شخصیت از آن نام برده می‌شود چیزی است که غالباً افراد ناسالم فاقد آن هستند. ۳- **احساسات و عواطف سالم و مناسب**: احساساتی مانند عدم امنیت، خشم، ناشایستگی، حسادت، حقارت و گناه، از نشانه‌های بی‌نظمی روانی است. داشتن این‌گونه احساسات نشانه قابل ملاحظه‌ای برای تشخیص بیماری روانی است. ۴- **آسایش و آرامش خاطر**: داشتن این خصوصیت از نشانه‌های بارز سلامت روان تلقی می‌شود. افرادی که از نظر روانی ناسالم می‌باشند معمولاً نمی‌توانند آرامش و آسایش را در زندگی تجربه نمایند، این افراد همواره خود را در معرض انواع نگرانی‌ها و ناراحتی‌ها می‌یابند و وجودی خالی از آرامش دارند. ۵- **نگرش‌های سالم**: داشتن سلامت روان و برخورداری از روحیه و روان سالم مستلزم داشتن نگرش‌های سالم می‌باشد. نگرش‌هایی از قبیل دشمنی، تعصب بی‌جا، پیش‌داوری و ناامیدی نمی‌تواند در کنار سلامت روان قرار گیرد. ۶- **تصور مناسب از خویش**: شکی نیست که سلامت روان بستگی عمیقی به این خصوصیت دارد. چنانچه فردی مفهوم و تصور صحیحی از خود نداشته باشد، زمینه‌ساز مشکلات دیگر خواهد بود. ۷- **هویت فردی**: فرد سالم از نظر روانی هویت شکل یافته و مناسبی دارد و می‌داند که چه کسی است و چه هدفی دارد. ی-ارتباط کافی با واقعیت: فردی که با واقعیت رابطه ندارد از سلامت روان به دور خواهد بود. افراد سالم واقعیت را می‌پذیرند و همواره با آن زندگی می‌کنند. (۴)

علیمردادی در تحقیقی تفاوت معناداری بین سلامت روان افراد معتاد و افراد غیر معتاد یافت که معتادان سلامت روانی کمتری نسبت به گروه سالم دارا بودند. (۵) در پژوهشی که حسینی فر بر روی پانصد و بیست نفر مرد انجام داد به این نتیجه رسید که دو گروه معتادان و افراد سالم از لحاظ متغیرهای کیفیت زندگی و سلامت روان با هم تفاوت معناداری دارند و معتادان از سلامت روان پایین‌تری نسبت به افراد سالم برخوردارند. وی افزود معتادان در شرایط خطرناکی زندگی می‌کنند و نیازمند حمایت و کمک بیشتری هستند. (۶)

سلامت روان که حالتی از سلامتی عاطفی و اجتماعی است، به علت اثرگذاری بر وضعیت و سلامت جسمانی مقوله‌ای بسیار حائز اهمیت به‌شمار می‌آید. سلامت روان در واقع منبعی است که افراد را قادر می‌سازد زندگی خود را به شکل موفقیت آمیزتری اداره نمایند. عوامل متعدد محیطی، اجتماعی و جسمی بر وضعیت سلامت روان اثر می‌گذارد؛ یکی از این عوامل حمایت اجتماعی است. (۷) برخی از پژوهشگران، حمایت اجتماعی را میزان برخورداری از محبت، همراهی، مراقبت، احترام، توجه و کمک دریافت شده توسط فرد از سوی افراد یا گروه‌های دیگر نظیر اعضای خانواده، دوستان و دیگران مهم تعریف کرده‌اند. (۸) ساراسون حمایت اجتماعی را دارای ابعاد پنج‌گانه می‌داند: ۱- **حمایت**

عاطفی: داشتن مهارت لازم در کمک گرفتن از دیگران هنگام برخورد با دشواری‌ها. ۲- **حمایت شبکه اجتماعی:** به معنای دسترسی و عضویت در شبکه‌های اجتماعی. ۳- **حمایت خود ارزشمندی:** اینکه دیگران در دشواری‌ها یا فشارهای روانی به وی بفهمانند که او فردی ارزشمند است و می‌تواند با به‌کارگیری توانایی‌های ویژه خود بر دشواری‌ها چیره شود. ۴- **حمایت ابزاری:** دسترسی داشتن به منابع مالی و خدماتی در سختی‌ها و دشواری‌ها. ۵- **حمایت اطلاعاتی:** بتواند اطلاعات موردنیاز خود را برای درک موقعیت به‌دست آورد. (۹) ابعاد حمایت اجتماعی به‌عنوان قویترین و نیرومندترین نیروهای مقابله‌ای برای رویارویی موفقیت‌آمیز و آسان افراد در زمان درگیری با شرایط تنش‌زا می‌باشد که تحمل مشکلات را برای فرد تسهیل می‌نماید. (۱۰) میزان حمایت اجتماعی هم در آسیب‌پذیری و هم در مقابله افراد نسبت به تنش نقش دارد. آسیب‌پذیری جسمی و روان شناختی به موازات کاهش حمایت اجتماعی افزایش می‌یابد، به این معنا که حمایت اجتماعی به‌عنوان سپری در مقابل آشفتگی‌های زندگی در دنیای پیچیده کنونی عمل می‌کند. حمایت اجتماعی نه تنها طی دوره فشار روانی بسیار یاری‌کننده است، بلکه در مواقع آرامش نسبی نیز مفید می‌باشد. (۱۱) حمایت اجتماعی مانند یک سپر در برابر آسیب‌های روانی و جسمانی و استرس‌های زندگی عمل می‌کند. از این رو می‌توان انتظار داشت سطح بهینه حمایت اجتماعی با افزایش سطح سلامت روان ارتباط داشته است. (۱۲) و از رمن در پژوهشی به این نتیجه رسید. حمایت اجتماعی بالا با پرهیز از مصرف کوکائین در بیماران تحت درمان نگهدارنده مواد مخدر (OMT) ارتباط دارد. (۱۳) باررا، چاسین و روگوچ در مطالعه‌ای با عنوان اثر حمایت اجتماعی و

تضاد در نوجوانان الکلی و پدران غیرالکلی عنوان کردند، حمایت اجتماعی بالا همچنین حمایت بالای والدین با سلامت روان بهتر و احتمال کم شروع مصرف مواد در نوجوانان مرتبط است. (۱۴) طیبی، ابوالقاسمی، محمود علیلو در پژوهشی به این نتیجه دست یافتند که معتادان نسبت به افراد بهنجار از حمایت اجتماعی کمتری نسبت به افراد عادی برخوردارند و همچنین از محرومیت اجتماعی چندگانه‌ای رنج می‌برند. (۱۵) جرج به این نکته اشاره نمود که فراهم کردن حمایت اجتماعی به میزان کافی، اثرات مستقیم قابل توجهی روی سلامت روان دارد، به‌طوری که سطوح حمایت اجتماعی با میزان پایین‌تر اختلال روانی همراه است. (۱۶) بر اساس مطالعات، زمینه ظهور مفهوم حمایت اجتماعی و مطرح شدن آن به‌عنوان متغیر اصلی در تحقیقات گوناگون مرتبط با سلامت، نشان دهنده برداشتن گامی جدی در بررسی نقش عوامل اجتماعی بر سلامت روان می‌باشد لذا هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه حمایت اجتماعی با سلامت روان زنان معتاد می‌باشد.

روش

روش مورد استفاده این پژوهش برای ارزیابی رابطه بین مولفه‌های حمایت اجتماعی بر سلامت روان، توصیفی از نوع همبستگی می‌باشد. جامعه آماری پژوهش را کلیه زنان معتاد مراجعه‌کننده به کمپ‌های تحت نظارت سازمان بهزیستی و ستاد مبارزه با مواد مخدر شهر تهران در فروردین سال ۱۳۹۵ (شامل کمپ مرهم واقع در تهرانسر، کمپ بهبود گستران همگام واقع در ورد آورد و موسسه خیریه کوثر واقع در شهریار) تشکیل داده‌اند. حجم نمونه با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس صد و پنجاه نفر به‌دست آمد.

ملاحظات اخلاقی پژوهش: ۱- کلیه پاسخ‌دهنده‌ها به‌صورت کتبی و شفاهی اطلاعاتی در مورد پژوهش دریافت کرده و در صورت تمایل در پژوهش مشارکت می‌نمودند. ۲- این اطمینان به آزمودنی‌ها داده شد که تمام اطلاعات محرمانه هستند و برای امور پژوهشی مورد استفاده قرار خواهند گرفت. ۳- به‌منظور رعایت حریم خصوصی، نام و نام خانوادگی شرکت‌کنندگان ثبت نشد. ۴- برای اطمینان از روند کار، کلیه پرسشنامه‌ها توسط خود پژوهشگر اجرا شد.

ابزار پژوهش

۱- **پرسشنامه سلامت عمومی (GHQ):** این ابزار توسط گلدبرگ و هیلیر (۱۹۷۹) به‌عنوان ابزار غربالگری اختلالات روانی ساخته شده است. این یک پرسشنامه سرنبدی مبتنی بر روش خود گزارش دهی است که هدف از آن، دستیابی به یک تشخیص خاص در سلسله مراتب بیماری‌های روانی نیست بلکه منظور اصلی آن ایجاد تمایز بین بیماری

۲-مقیاس حمایت اجتماعی: این مقیاس توسط فلمینگ، باوم، گاسریل و گچل (۱۹۸۲) ساخته شده است. این مقیاس بیست و پنج سوال دارد که برای ارزیابی چهار خرده مقیاس به کار می رود که عبارتند از:

حمایت ادراک شده از خانواده، حمایت ادراک شده از دوستان، نظر و عقیده درباره اهمیت حمایت اجتماعی، حمایت ادراک شده عمومی یا کلی.

در پژوهش شهید (۱۳۸۸) اعتبار مقیاس حمایت اجتماعی ادراک شده از طریق محاسبه آلفای کرونباخ برآورد گردید که برابر با ۰/۶۸ بود و در هر یک از خرده مقیاس های دوستان، همکلاسی ها، خانواده، حمایت کلی به ترتیب ۰/۶۷، ۰/۸۴، ۰/۸۱ و ۰/۵۵ به دست آمد. (۱۹) در پژوهش حاضر نیز میزان پایایی این مقیاس با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۵ به دست آمد.

و سلامت است. این پرسشنامه بیست و هشت سوال دارد که برای ارزیابی چهار خرده مقیاس به کار می رود که عبارتند از: علایم جسمانی، اضطراب، اختلال عملکرد اجتماعی، افسردگی.

یعقوبی ضریب پایایی کلی این پرسشنامه را ۰/۸۸ و ضریب پایایی خرده آزمون ها را بین ۰/۵۰ تا ۰/۸۱ گزارش کرده است. (۱۷) میزان اعتبار این پرسشنامه به شیوه آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه ۰/۸۲ گزارش شده است. (۱۸) در پژوهش حاضر نیز میزان پایایی این پرسشنامه با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۳۱ به دست آمد.

۲-۲-۲-۱

طبق بررسی داده های پژوهش، میانگین متغیر حمایت اجتماعی در افراد نمونه، ۱۳/۷۹ با انحراف معیار، ۵/۷۶ و سلامت روان، ۲۶/۹۶ با انحراف معیار، ۱۶/۶۲ ارزیابی شده است. برای بررسی نرمال بودن نمرات از آزمون های کولموگراف-اسمیرنف و شاپرو-ویلک استفاده گردید. بر اساس نتایج به دست آمده از آزمون کولموگراف-اسمیرنف چون مقادیر به دست آمده برای این آزمون در سطح ۰/۰۵ معنادار نیست، بنابراین شرط توزیع نرمال بودن داده ها برقرار است و می توان از آزمون پارامتریک برای بررسی فرضیه های پژوهش استفاده نمود. برای بررسی فرضیه های پژوهشی ابتدا با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون رابطه ساده بین متغیرها مورد بررسی قرار گرفت و سپس برای تعیین نقش مولفه ها از رگرسیون چندگانه استفاده شد.

با توجه به داده های جدول شماره یک، چون مقدار $r = -0/382$ در رابطه بین حمایت اجتماعی با سلامت روان در سطح ۰/۰۱ معنادار است، بنابراین فرضیه اصلی پژوهش تایید می گردد. به عبارت دیگر بین حمایت اجتماعی با نمرات سلامت روان رابطه معناداری به صورت منفی و معکوس وجود دارد. هر چه حمایت اجتماعی بیشتر باشد، بر میزان سلامت روان (نمرات پایین در این مقیاس به معنی بالا بودن سلامت روان می باشد) افزوده می شود و بالعکس. بنابراین بین حمایت اجتماعی با سلامت روان رابطه معناداری وجود دارد. همچنین نتایج ضریب همبستگی پیرسون نشان داد، بین ابعاد "حمایت اجتماعی از طرف دوستان و عقیده و نظر درباره حمایت اجتماعی ادراک شده" با سلامت روان نیز رابطه معنادار به صورت منفی و معکوس وجود دارد.

نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون نیز نشان داد که رگرسیون مولفه سلامت روان از روی ابعاد حمایت اجتماعی، در سطح ۰/۰۰۰ معنادار است. $(P < 0/000, F = 9/756)$ بنابراین قدرت پیش بینی مولفه سلامت روان از روی ابعاد حمایت اجتماعی از لحاظ آماری معنادار است. و این مولفه ها بخشی از واریانس سلامت روان را تبیین می کند. به عبارت دیگر این نتیجه نشان می دهد که ضرایب رگرسیون معنادار است.

بین حمایت اجتماعی با سلامت روان در بعد علایم جسمانی رابطه معناداری وجود دارد. نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون نشان داد که رگرسیون مولفه سلامت روان در بعد علایم جسمانی از روی ابعاد حمایت اجتماعی، در سطح ۰/۰۰۰ معنادار است. $(P < 0/000, F = 6/819)$ بنابراین قدرت پیش بینی مولفه سلامت روان در بعد علایم جسمانی از روی ابعاد حمایت اجتماعی از لحاظ آماری معنادار است. لذا این مولفه ها بخشی از واریانس سلامت روان در بعد علایم جسمانی را تبیین می کند. به عبارت دیگر این نتیجه نشان می دهد که ضرایب رگرسیون معنادار است.

با توجه به میزان R^2 موجود در جدول شماره دو، می توان نتیجه گرفت که مولفه حمایت اجتماعی در مدل ارایه شده در حدود ۱۵/۸ درصد از واریانس متغیر سلامت روان در بعد علایم جسمانی را تبیین می کند. مقدار بتا در مدل ارایه شده نشان دهنده میزان تبیین واریانس متغیرهای پیش بین روی ملاک است. بر اساس همین ضرایب استاندارد بتا، بیشترین نقش و تبیین روی سلامت روان در بعد علایم جسمانی بر عهده حمایت اجتماعی از طرف دوستان می باشد؛ به طوری که با هر واحد تغییر در حمایت اجتماعی از طرف دوستان به اندازه ۰/۳۲۸- در واریانس نمره سلامت روان در بعد علایم جسمانی تغییر ایجاد می گردد.

بین حمایت اجتماعی با سلامت روان در بعد اضطراب رابطه معناداری وجود دارد. نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون نشان داد که از روی ابعاد حمایت اجتماعی، در سطح ۰/۰۰۱ معنادار است. ($P=0/001$, $F=5/267$) بنابراین قدرت پیش بینی مولفه سلامت روان در بعد اضطراب از روی ابعاد حمایت اجتماعی از لحاظ آماری معنادار است. و این مولفه ها بخشی از واریانس سلامت روان در بعد اضطراب را تبیین می کند. به عبارت دیگر این نتیجه نشان می دهد که ضرایب رگرسیون معنادار است. به عبارت دیگر بین ابعاد حمایت اجتماعی با سلامت روان در بعد اضطراب رابطه معنادار وجود دارد.

با توجه به میزان R^2 موجود در جدول شماره سه، می توان نتیجه گرفت که مولفه حمایت اجتماعی در مدل ارایه شده حدود ۱۲/۵٪ از واریانس متغیر سلامت روان در بعد اضطراب را تبیین می کند. مقدار بتا در مدل ارایه شده نشان دهنده میزان تبیین واریانس متغیرهای پیش بین روی ملاک است. بر اساس همین ضرایب استاندارد بتا بیشترین نقش و تبیین روی سلامت روان

جدول (۱) نتایج ضرایب همبستگی پیرسون در مورد رابطه فرضیه اصلی

متغیر	۱	۲	۳	۴	۵	۶
خانواده	۱					
دوستان	۰/۱۷۳*	۱				
نظر و عقیده	۰/۴۹۲**	۰/۴۷۴**	۱			
عمومی یا کلی	۰/۲۰۱*	۰/۱۱۲*	۰/۱۴۸*	۱		
کل	۰/۷۷۶**	۰/۶۸۰**	۰/۷۷۲**	۰/۴۰۶**	۱	
سلامت روان	-۰/۱۴۲	-۰/۴۲۴**	-۰/۳۴۷**	-۰/۱۳۱*	-۰/۳۸۲**	۱

*** معناداری در سطح ۰/۰۱
** معناداری در سطح ۰/۰۵
* معناداری در سطح ۰/۰۵

جدول (۲) نتایج ضرایب رگرسیون چندگانه سلامت روان در بعد علایم جسمانی از روی ابعاد حمایت اجتماعی

متغیر ملاک	پیش بین	ضرایب غیر استاندارد	ضرایب استاندارد	t	sig
سلامت روان		B	خطای ضرایب		
اثر ثابت	۱۰/۰۹۳	۱/۳۹۱		۷/۲۵۸	۰/۰۰۰
خانواده	-۰/۱۷۵	۰/۱۵۵		-۱/۱۲۶	۰/۲۶۲
دوستان	-۰/۶۹۰	۰/۱۸۳		-۳/۷۶۹	۰/۰۰۰
نظر و عقیده	-۰/۲۳۰	۰/۳۲۰		-۰/۷۲۱	۰/۴۷۲
عمومی یا کلی	۰/۳۰۱	۰/۳۳۶		۰/۸۹۷	۰/۳۷۱
مدل	R	۰/۳۹۸	R^2	۰/۱۵۸	

جدول (۳) نتایج ضرایب رگرسیون چندگانه سلامت روان در بعد اضطراب از روی ابعاد حمایت اجتماعی

متغیر ملاک	پیش بین	ضرایب غیر استاندارد	ضرایب استاندارد	t	sig
سلامت روان		B	خطای ضرایب		
اثر ثابت	۹/۸۲۴	۱/۳۲۷		۷/۴۰۴	۰/۰۰۰
خانواده	-۰/۰۴۸	۰/۱۴۸		-۰/۳۲۵	۰/۷۴۶
دوستان	-۰/۳۶۲	۰/۱۷۵		-۲/۰۷۰	۰/۰۴۰
نظر و عقیده	-۰/۶۷۰	۰/۳۰۵		-۲/۱۹۸	۰/۰۳۰
عمومی یا کلی	۰/۱۱۰	۰/۳۲۱		۰/۳۴۲	۰/۷۳۳
مدل	R	۰/۳۵۶	R^2	۰/۱۲۵	

جدول (۴) نتایج ضرایب رگرسیون چندگانه سلامت روان در بعد اختلال عملکرد اجتماعی از روی ابعاد حمایت اجتماعی

متغیر ملاک	پیش بین	ضرایب غیر استاندارد	ضرایب استاندارد	t	sig
سلامت روان		B	خطای ضرایب		
اثر ثابت	۱۱/۰۸۵	۱/۰۲۵		۱۰/۸۱۰	۰/۰۰۰
خانواده	۰/۱۷۳	۰/۱۱۵		۱/۵۰۹	۰/۱۳۳
دوستان	-۰/۳۹۶	۰/۱۳۵		-۲/۳۳۱	۰/۰۰۴
نظر و عقیده	-۰/۳۱۴	۰/۲۳۶		-۱/۳۳۳	۰/۱۸۵
عمومی یا کلی	-۰/۶۰۰	۰/۲۴۸		-۲/۴۲۲	۰/۰۱۷
مدل	R	۰/۳۸۵	R^2	۰/۱۸۴	

جدول (۵) نتایج ضرایب رگرسیون چندگانه سلامت روان در بعد افسردگی از روی ابعاد حمایت اجتماعی

متغیر ملاک	پیش بین	ضرایب غیر استاندارد	ضرایب استاندارد	t	sig
سلامت روان		B	خطای ضرایب		
اثر ثابت	۱۲/۵۷۳	۱/۵۳۵		۸/۱۹۳	۰/۰۰۰
خانواده	۰/۱۸۳	۰/۱۷۱		۱/۰۶۶	۰/۲۸۸
دوستان	-۰/۷۴۸	۰/۲۰۲		-۳/۷۰۳	۰/۰۰۰
نظر و عقیده	-۰/۷۶۱	۰/۳۵۳		-۲/۱۵۸	۰/۰۳۳
عمومی یا کلی	-۰/۷۶۷	۰/۳۷۱		-۲/۰۶۷	۰/۰۴۰

در بعد اضطراب بر عهده بعد نظر و عقیده درباره اهمیت حمایت اجتماعی می‌باشد؛ به‌طوری که با هر واحد تغییر در بعد نظر و عقیده درباره اهمیت حمایت اجتماعی به اندازه $0/220$ - در واریانس نمره سلامت روان در بعد اضطراب تغییر ایجاد می‌گردد. بعد حمایت اجتماعی از طرف دوستان نیز به میزان $0/183$ - در تبیین واریانس سلامت روان در بعد اضطراب نقش معناداری دارد. بین حمایت اجتماعی با سلامت روان در بعد اختلال عملکرد اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد.

نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون نشان داد که رگرسیون مولفه سلامت روان در بعد اختلال عملکرد اجتماعی از روی ابعاد حمایت اجتماعی، در سطح $0/000$ معنادار است. ($P < 0/000, F = 6/302$)

بنابراین قدرت پیش‌بینی مولفه سلامت روان از روی ابعاد حمایت اجتماعی از لحاظ آماری معنادار است. و این مولفه‌ها بخشی از واریانس سلامت روان در بعد اختلال عملکرد اجتماعی را تبیین می‌کند. به عبارت دیگر این نتیجه نشان می‌دهد که ضرایب رگرسیون معنادار است. به عبارت دیگر بین ابعاد حمایت اجتماعی با سلامت روان در بعد اختلال عملکرد اجتماعی رابطه معنادار وجود دارد.

با توجه به میزان R^2 موجود در جدول شماره چهار، می‌توان نتیجه گرفت که مولفه حمایت اجتماعی در مدل ارایه شده در حدود $18/4\%$ از واریانس متغیر سلامت روان در بعد اختلال عملکرد اجتماعی را

تبیین می‌کند. مقدار بتا در مدل ارایه شده نشان دهنده میزان تبیین واریانس متغیرهای پیش‌بین روی ملاک است. بر اساس همین ضرایب استاندارد بتا، بیشترین نقش و تبیین روی سلامت روان در بعد اختلال عملکرد اجتماعی بر عهده بعد حمایت اجتماعی از طرف دوستان می‌باشد؛ به‌طوری که با هر واحد تغییر بعد حمایت اجتماعی از طرف دوستان به اندازه $0/256$ در واریانس نمره سلامت روان در بعد اختلال عملکرد اجتماعی تغییر ایجاد می‌گردد. بین حمایت اجتماعی با سلامت روان در بعد افسردگی رابطه معناداری وجود دارد.

نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون نشان داد که رگرسیون مولفه سلامت روان در بعد افسردگی از روی ابعاد حمایت اجتماعی، در سطح $0/000$ معنادار است. ($P < 0/000, F = 10/064$) بنابراین قدرت پیش‌بینی مولفه سلامت روان در بعد افسردگی از روی ابعاد حمایت اجتماعی از لحاظ آماری معنادار است. این مولفه‌ها بخشی از واریانس سلامت روان در بعد افسردگی را تبیین می‌کند، این نتیجه نشان می‌دهد که ضرایب رگرسیون معنادار است. به عبارت دیگر بین ابعاد حمایت اجتماعی با سلامت روان در بعد افسردگی رابطه معنادار از لحاظ آماری وجود دارد.

با توجه به میزان R^2 موجود در جدول شماره پنج، می‌توان نتیجه گرفت که مولفه حمایت اجتماعی در مدل ارایه شده در حدود $21/7\%$ از واریانس متغیر سلامت روان را در بعد افسردگی تبیین می‌کند. مقدار بتا در مدل ارایه شده نشان دهنده میزان تبیین واریانس متغیرهای پیش‌بین روی ملاک است. بر اساس همین ضرایب استاندارد بتا بیشترین نقش و تبیین روی سلامت روان در بعد افسردگی بر عهده بعد حمایت اجتماعی از طرف دوستان می‌باشد؛ به‌طوری که با هر واحد تغییر بعد حمایت اجتماعی از طرف دوستان به اندازه $0/311$ در واریانس نمره سلامت روان در بعد افسردگی تغییر ایجاد می‌گردد. بعد نظر و عقیده درباره اهمیت حمایت اجتماعی و حمایت اجتماعی عمومی و کلی نیز به میزان $0/204$ - و $0/156$ - در تبیین واریانس سلامت روان در بعد افسردگی نقش معناداری دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش حاضر نشان داد بین حمایت اجتماعی با مولفه‌های سلامت روان زنان معتاد رابطه معناداری وجود دارد. این یافته‌ها با نتایج پژوهش هاشمی، محمدزادگان، قاسم بکلو، ایرانی و وکیلی (۱۳۹۳) همسو می‌باشد. بر اساس یافته‌های حاصل از پژوهش آنان، بین افراد وابسته به مواد و جمعیت سالم از لحاظ سلامت عمومی و مولفه‌های آن (نشانه‌های جسمانی، اضطراب، اختلال در عملکرد اجتماعی و افسردگی) تفاوت معناداری وجود دارد. همچنین

کرده و پژوهشگران را در اتخاذ تدابیر موثر یاری دهد. اجرای این پژوهش در فروردین سال ۱۳۹۵ بر روی ۱۵۰ نفر از زنان معتاد کمپ های تحت نظارت سازمان بهزیستی و ستاد مبارزه با مواد مخدر شهر تهران که قابلیت تعمیم نتایج را محدود می کند، عدم همکاری بعضی از افراد شرکت کننده برای تکمیل پرسشنامه، عدم دسترسی به منابع کافی و کمبود تحقیقات انجام شده در زمینه موضوع از محدودیت های پژوهش است.

نتایج پژوهش نشان داد که بین حمایت اجتماعی و سلامت روانی زنان معتاد رابطه وجود دارد. لذا، یافته های این پژوهش می تواند در اختیار مددکاران اجتماعی، مشاوران و روان شناسان قرار بگیرد تا با آگاهی هر چه بیشتر از اهمیت مولفه های روان شناختی همچون حمایت اجتماعی و سلامت روان به زنان معتاد در زمینه ترک اعتیاد کمک کنند. همچنین، با برگزاری کارگاه های آموزشی و طراحی مداخله های لازم روانی اجتماعی با تاکید بر سلامت روان و حمایت اجتماعی به بهبود کیفیت زندگی آنها کمک کنند.

تشکر و قدردانی: این پژوهش با حمایت مالی و معنوی دبیرخانه ستاد مبارزه با مواد مخدر انجام شده است. نویسندگان از این کمیته و همچنین شرکت کنندگان محترم در پژوهش که ما را در انجام و به ثمر رساندن این پژوهش یاری رساندند، کمال تشکر و قدردانی را دارند.

بین افراد وابسته به مواد و جمعیت سالم از لحاظ حمایت اجتماعی و مولفه های آن (حمایت ادراک شده از خانواده، حمایت ادراک شده از دوستان، نظر و عقیده درباره حمایت اجتماعی و حمایت عمومی) تفاوت معنادار وجود دارد. (۲۰) در کل یافته های تحقیق نشان داد که معتادان از سلامت روان و حمایت اجتماعی کمتری نسبت به افراد سالم برخوردارند. همچنین مطالعه آسایش، حسام، قربانی و شریعتی (۱۳۹۳) نیز نشان داد که حمایت اجتماعی از سوی اعضای خانواده، سبب ارتقای سلامت روان و رضایت از زندگی و در نتیجه باعث کاهش مشکلات روانی می شود. (۲۱) از نتایج این پژوهش و پژوهش های پیشین چنین بر می آید که زنان معتاد در مرحله اول، افراد معتاد از بعد روان بوده و نیاز به مشاوره، حمایت و درمان دارند. محبوس کردن، دور نگه داشتن از جامعه و تنبیه، درمان یک فرد معتاد نیست چرا که راه های فوق نه تنها مشکلات و دردهای یک معتاد را التیام نمی بخشد بلکه منجر به گسترش ناهنجاری ها و اختلالات روانی فرد معتاد می شود و طبعاً گرایش برای مراجعه مجدد به مواد مخدر را افزایش می دهد. اعتیاد یک بیماری اجتماعی است که عوارض جسمی و روانی دارد و تا زمانی که به علل گرایش بیمار توجه نشود، درمان جسمی و روانی فقط برای مدتی نتیجه بخش خواهد بود و فرد معتاد دوباره گرفتار مواد اعتیاد آور می شود.

با توجه به اینکه اعتیاد زنان پیامدها و عواقب جدی از قبیل طرد شدن، تاثیر منفی روی فرزندان، کاهش روابط اجتماعی عادی و افزایش ارتباط با معتادین را به همراه دارد و از آن جایی که زنان وظیفه مادری و تربیت نسل آینده را بر عهده دارند و وجود مادر معتاد در خانواده می تواند به همسر، فرزندان و جامعه آسیب جدی وارد کند. لذا لازم است همواره نیازهای حمایتی زنان معتاد مورد بررسی قرار گرفته و با بسیج منابع حمایتی موجود در جامعه و مشارکت سازمان ها در جهت ارتقاء سلامت روانی-اجتماعی و حمایت اجتماعی از آنها اقدامات موثر انجام شود. این پژوهش با محدودیت هایی روبرو بود که بیان آنها می تواند یافته ها و پیشنهاد های پژوهش را تصریح

منابع

References:

- 1- Aram, S., Ghofrani, Mohsen Salehi Kia, A. (2016). Ten weeks of aerobic training effect with vitamin E supplementation on blood pressure, heart rate and maximal oxygen uptake in women drug users. the monthly Journal of faye. 20(1), 16-48. [Persian]
- 2-Kakouei Dinaki, E., & Ghavami, N. (2015). The Study of Gender and Women consequences of drug abuse trends. Social Health and Addiction Journal, 1(4), 9-32. [Persian]
- 3-Khaza'i, O., Khaza'i, F., & Alizadeh Mousavi, E. (2012). The relationship between early maladaptive schemas and meta cognitive beliefs and mental health addicted women. New findings in the Proceedings of the International Conference on Research in Psychology, Counselling and Education (1-9). Righteous institution of higher education. Tehran. [Persian]
- 4- Mohamadmoradi, B. (1388). Review and compare marital satisfaction and mental health among women

in Kermanshah province with an emphasis to issues Oramanat culture in the region. Master's degree, field of Counseling, Faculty of Education and Psychology, Shahid Beheshti University, Tehran. [Persian]

5- Alimoradi, L. (2011). The Comparing Activity Of Brain Behavioral Systems And Mental Health In Normal And Addicts Individuals. *Journal Of Procedia-Social And Behavioral Sciences*, 30, 170-1708. [Persian]

6- Hoseinifar, J., & Et Al. (2011). Comparison Of Guilty Of Life And Mental Health Of Addicts And Non-Addicts, *Journal Of Procedia – Social And Behavioral Sciences*, 30, 1930-1934. [Persian]

7-Nazeri joybari, Z. (2012). The effect of social support on the mental health hospital medical team in the Mazandaran province. Master's degree, Social Work, Faculty of Social Sciences, Allameh Tabatabaei University, Tehran. [Persian]

8- Sarafino, E. P. (1998). *Health Psychology*, Third Edition, Newyork, John Wiley & Sons.

9- Kaldi, A., & Salahshori, P. (1391). The effect of social support on women's empowerment, *social Journal of Development Studies*, 4, 7-23. [Persian]

10-Lee, J., Pomeroy, E. C., & Bohman, T. M. (2009). Intimate partner violence and psychological health in a sample of Asian and Caucasian women: The roles of social support and coping. *Journal of Family Violence*, 22.

11-Cotrona, C.E. (2007). Objective determinants of perceived social support. *Journal of personality and social psychology*, 50.

12-Sotodeh navroodi, O., Zeinali, Sh., & Khasteganan, N. (2012). The relationship between violence, social support and perceived stress in women and non-addict with addicted husbands in Rasht. *Nursing and Midwifery*, 22(68), 25-32. [Persian]

13- Wasserman, D.A. & Et Al. (2001). Social Support And Abstinence From Opiates And Cocaine During Opioid Maintenance Treatment. *Journal Of Drug And Alcohol Dependence*, 65, 64-75.

14- Barerra, M., Chassin, L., & Rogosch, F. (1993). Effects Of Social Support And Conflict On Adolescent Children Of Alcoholic And Nonalcoholic Fathers. *Journal Of Personality And Social Psychology*, 64, 602-612.

15- Taeibi, K., Abolghasemi, A., & Mahmoodaliloo, M. (1391). Compare advocacy and social exclusion and psychoactive drug addicts and normal individuals. *Journal of Research in Applied Psychology*, 12 (2). [Persian]

16-Peyravi, H., Hajebi, A., & Panaghi, L. (2010). The relationship between social support and mental health in students of Tehran University. *Health System Research Journal*. 69(2), 301-308. [Persian]

17-Gerami, M. (2013). Compare mental health and self-efficacy in people with and without experience child abuse. Master's degree, educational counseling psychology, Faculty of Education and Psychology, Shahid Beheshti University, Tehran. [Persian]

18-Geraat, M., Mohammadi, A. (2014). The relationship between perceived social support and mental health Transsexuals. *Journal of Social Work*, 3(2), 19-32. [Persian]

19-Faghihi, E. (2012). Its gender beliefs and perceived social support and different aspects of identity. Master's degree, field of General Psychology, Faculty of Education and Psychology, Shahid Beheshti University, Tehran. [Persian]

20-Hashemi, T., Mohmadzadegan, R., G. Bakelo, Y., Irani, M., & Vakili, S. (2014). Comparison of general health and social protection in substance dependent patients and healthy subjects. *Atyadpzhvhy Journal of Substance Abuse*, 8(31), 119-134. [Persian]

21-Asayesh, H., Hesam, M., Ghorbani, M., & Shariati, A. (2010). Relation of social support with mental health and consent of life in instance students. *Journal science Gorgan Faculty of nursing and midwifery*, 7(1), 15-20. [Persian]